

موقعیت شیخ صدوق و کتاب اعتقادات او در دوره صفوی

رسول جعفریان

| ۲۳۱-۲۵۲ |

The Position of Sheikh Saduq and His Book «Aqā'id» in the Safavid Period

By Rasoul Jafariyan

Abstract: Abu Ja'far Muhammad ibn Ali ibn al-Husayn ibn Babawayh Qumī (d. 381) was a prominent Shia scholar in the fourth century of the Islamic calendar. One of the important works left by Saduq is the book «Aqā'id», in which he elaborates on the most important beliefs of Shia Islam in its forty-five chapters, proving them with Quranic verses and Prophetic traditions. The present research examines the position of Sheikh Saduq and his book «Aqā'id» in the Safavid period. The main question of the research is to what extent the importance criteria of Sheikh Saduq's book «Aqā'id» in the Safavid era, compared to other Shia doctrinal treatises, have utilized the capacities for promotional activities in this period and how influential it has been. This research, utilizing a descriptive-analytical method based on sources and references of this period, aims to answer the above question. The findings of the research indicate that in the Safavid period, the existing capacities of society, such as the cultural-religious policies of Shah Tahmasb, religious and educational institutions, and texts and teachings, were utilized to stabilize, institutionalize, and expand Shia Islam in Iranian society, leading to the translation of several original Arabic Shia works into Persian.

Keywords: Doctrine, Shia Beliefs, Shia Theology, Safavid Era, Sheikh Saduq, Sheikh Mufid, Shah Tahmasb, Mohammad Mahdi Rezvani

چکیده: ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق) عالم بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است. یکی از آثار مهم باقی‌مانده از صدوق، کتاب الاعتقادات است که وی در این کتاب که ۴۵ فصل دارد، مهم‌ترین عقاید شیعه را بیان می‌کند و آنها را با شواهد قرآنی و احادیث نبوی اثبات کرده است. پژوهش حاضر مطالعه موقعیت شیخ صدوق و کتاب اعتقادات او در دوره صفوی را بررسی می‌کند. پرسش اصلی پژوهش آن است که معیارهای اهمیت کتاب اعتقادات شیخ صدوق در دوره صفویه، در مقایسه با دیگر رسائل اعتقادی شیعی، در چه دامنه‌ای از ظرفیت‌های تبلیغی-ترویجی در این دوره بوده است و تا چه اندازه تأثیرگذار بوده است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر اساس منابع و مآخذ این دوره، در پی پاسخ پرسش فوق است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دوره صفویه از ظرفیت‌های موجود جامعه نظیر سیاست‌های فرهنگی-مذهبی شاه طهماسب، نهادهای دینی و آموزشی و متون و معارف برای تثبیت، نهادینه‌سازی و گسترش مذهب تشیع در جامعه ایران بهره‌گرفته شده است که سبب ترجمه شماری از آثار اصیل عربی شیعی به فارسی گردید.

کلیدواژه‌ها: اعتقادی، اعتقادات شیعی، کلام شیعی، صفویه، شیخ صدوق، شیخ مفید، شاه طهماسب، محمد مهدی رضوی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برآمدن شیعه در ایران و سیاست‌های حمایتی دولت صفویه از رواج تشیع، و به‌ویژه سیاست‌های فرهنگی - مذهبی شاه طهماسب، سبب شد شمار قابل توجهی از متون اصیل عربی عالمان شیعه، به فارسی ترجمه شود. «طبعاً بنا بر جایگاه و اعتبار شیخ صدوق و نیز اهمیت کتاب اعتقادات او می‌توان تصور کرد که توجه خاصی در برابر آن بوده و به همین دلیل چند بار در دوره صفوی و قاجار و پس از آن تا امروز، به فارسی ترجمه شده است. با این وجود باید توجه داشت سنت کلامی موجود در امامیه از بعد از خواجه نصیرالدین طوسی، تمرکز مباحث اعتقادی را روی روش‌های کلامی برده و روش صدوق تعقیب نشده بود. در این فضا کتاب اعتقادات صدوق که بیشتر بر مبنای اهل حدیث شیعه بود، جذابیت چندانی نداشت. مقایسه شروح مختلف از «باب حادی عشر» با عدم وجود شرح از اعتقادات صدوق در قرن‌های هشتم و نهم، گرچه مقایسه دقیقی نیست، نشان دهنده آن است که پیش از روی کار آمدن صفویه توجه جدی روی اعتقادات صدوق نبوده است. سؤال اساسی این مقاله این‌گونه طرح شدنی است که معیارهای اهمیت کتاب اعتقادات شیخ صدوق در دوره صفویه دایر بر کدام نوع از ظرفیت‌های تبلیغی و ترویجی جامعه بوده است؟ از این رو در این مقاله، ضمن مروری بر آموزه‌های مهم شیخ صدوق در زمینه قرآن و غلو، به باز احیای مکتب او در دوره صفوی و معرفی ترجمه‌های مختلف کتاب اعتقادات او پرداخته شده است. این تحقیق کوشیده است با بررسی آثار صدوق، به‌ویژه آموزه‌های ارائه شده در اعتقادات و نیز نسخه‌شناسی پاره‌ای از ترجمه - شرح‌های آن در دوره صفوی، به بازبینی در نگاه به شیخ ابوجعفر صدوق در دوره صفوی بپردازد.

با وجود تحقیقات گسترده‌ای که در حوزه مطالعات آرای کلامی شیخ صدوق انجام شده است، موضوع کتاب اعتقادات او در دوره صفوی تاکنون موضوع پژوهش علمی مستقلی نبوده است. جعفریان (۱۳۷۱) در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه متون دینی به پارسی در دوره صفوی» در مجلد دوم سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، حسن بگی و طهماسبی بلداجی (۱۳۹۴) در اثر خود با عنوان «تحلیل و بررسی ساختاری و محتوایی الاعتقادات شیخ صدوق» ضمن معرفی اجمالی و بررسی ویژگی‌های الاعتقادات، در دو بخش ساختاری و محتوایی به ارزیابی این کتاب می‌پردازند.

پیش از آغاز مباحث اصلی، نگاهی اجمالی به جایگاه شیخ صدوق در جامعه شیعه ضروری به نظر می‌رسد.

نگاهی اجمالی به جایگاه شیخ صدوق در جامعه شیعه

ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (م ۳۸۱) عالم بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری و خلاصه دانشی است که در طول بیش از دو قرن پیش از وی، در قم شکل گرفته بود. این شهر که از اواخر قرن اول، پایگاهی برای شیعیان و علم و دانش آنان شد، حیات علمی اش تا قرن چهارم ادامه یافت. علی بن الحسین بن بابویه پدر شیخ صدوق، در قم و فرزندش شیخ صدوق، به شهرری منتقل شد که آن زمان شهر مهمی بود و حوزه شیعی را در آنجا ادامه داد. دانش حدیثی که در قم متمرکز شده بود، توسط کلینی (م ۳۲۹) و صدوق گردآوری و ضمن چند کتاب در جامعه شیعه باقی ماند. انتقال شیخ صدوق به شهرری در حوالی سال ۳۳۹ و به احتمال به دعوت برخی از رجال خاندان آل بویه بود (بنگرید: مجالس المؤمنین: ج ۲، ص ۳۲۵). ارتباط وی - و برادرش حسین - با وزیر بویه‌یان صاحب بن عباد (م ۳۸۵) نشان دهنده آن است که به عنوان نماینده جامعه علمای شیعه شناخته می شده است. شیخ صدوق سفرهای متعددی به خراسان و بغداد و برخی شهرهای دیگر داشت که باید هدفش را گردآوری احادیث و همین طور تماس با شیعیان در مناطق مختلف دانست.^۲ شیخ صدوق به هیچ روی اهل کلام به روش معتزله نیست؛ از این رو تفاوت عمده‌ای با عالمان شیعی عراق عرب دارد که روش فکری آنان از میانه قرن دوم هجری، عقلی بود. این جریان در نهایت به مفید و از او به دوره‌های بعدی منتقل شد. صدوق حلقه تفکر حدیثی قم وری و جریان عقل‌گرای شیعه در عراق است و کتاب اعتقادات او نوعی پیوند میان این دو طرز فکر و دو مکتب به شمار می آید. عالمان سنی و شرح حال نویسان آنها چندان از او یادی نکرده‌اند؛ زیرا او قمی و احتمالاً دوران دسترس آنان بوده است. شاید مورد استثناء، قضاوت ابوحیان توحیدی درباره «ابوجعفر ابن بابویه» است که می گوید میان شیعیان، عالمی بزرگ‌تر و پر دانش‌تر از او ندیده است: «مالحقت شیخاً للشیعة أكبر منه و لأطول باعاً فی العلم» (البصائر و الذخائر؛ ج ۷، ص ۱۶۵). خطیب بغدادی هم او را «من شیوخ الشیعة و مشهوری الرافضة» می خواند که به بغداد آمده است (تاریخ بغداد؛ ج ۳، ص ۳۰۳؛ نیز بنگرید: قاموس الرجال؛ ج ۹، ص ۴۳۶).

البته جایگاه صدوق در جامعه شیعه بسیار مهم بوده است؛ اما به دلیل آنکه وی در ایران و نماینده مکتب قم بود و پس از آن به تدریج مرکزیت تشیع در عراق استقرار یافت، کمتر به آثارش توجه شد. نام ۲۳۱ اثر از کتاب و رساله در فهرست تألیفات او آمده است که از غالب آنها نشانی در دست نیست (الهدایه؛ ص ۱۶۸-۲۰۴) و تنها تعداد اندکی از آنها برجای مانده است که همین آثار نیز در تفکر شیعه بسیار مهم‌اند. کتاب مدینه العلم او که بزرگ‌تر از کتاب من لایحضره الفقیه او بوده است، از میان رفته است؛ چنان‌که از بسیاری آثار دیگر او نیز خبری نیست. «کتاب التوحید»، «کمال

۲. ر.ک: مقدمه الاعتقادات، چاپ مؤسسه الامام الهادی، ص ۵۳-۵۹؛ الهدایه، مقدمه، ص ۱۰۹-۱۲۰.

الدین» و «علل الشرایع» از آثار برجسته او هستند. آثار دیگری مانند خصال و صفات الشیعه در تعریف هویت اخلاق دینی شیعیان، بسیار مهم هستند.

به طوری که می‌دانیم جامعه علمی شیعه از قرن‌های ششم تا دهم، کمتر به متون حدیثی توجه داشت و شاید همین امر سبب کاهش توجه به آثار صدوق بوده است که عمدتاً حدیثی است. با این حال و با وجود شماری از دشواری‌ها، شخصیت صدوق در جامعه شیعه و ذهنیت تاریخی آن همچنان استوار مانده است. شاید بتوان مهم‌ترین نقش صدوق را تثبیت نگاه‌های عقلانی شیعه در کنار گرایش حدیثی قم و ترکیب این دو البته به شکل ساده اولیه دانست. او هم‌زمان با غلو مبارزه کرد و کتابی با عنوان «ابطال الغلو و التقصیر» نوشت که برجای نمانده است. همچنین با نگارش کتاب التوحید، انتساب تشبیه و تجسیم را از دامن شیعیان و روایات شیعی دور کرد. به نظر می‌رسد او سعی داشت میان عقل و نقل در شیعه، البته بر محور حدیث توافقی ایجاد کند؛ چنان‌که می‌کوشید میان غلو و تقصیر راهی بگشاید. این تعادل، بعدها به نفع عقل‌گرایی بغداد تا زمان صفویه تغییر مسیر داد. صدوق در تربیت دینی و اخلاقی جامعه شیعه هم نقش مهمی داشت و در امتداد مسیر روایی-تربیتی و ترویج زیست شیعیانه با نگاه‌شسته‌هایش نقش ویژه‌ای بر عهده گرفت.^۳

درباره رساله اعتقادات

یکی از آثار مهم باقی‌مانده از صدوق، کتاب اعتقادات اوست. در مقدمه باید اشاره کنیم سابقه اعتقادیه نویسی میان اهل حدیث و دیگر گروه‌های اهل سنت، به قرن سوم بازمی‌گردد؛ در حالی که صدوق - نویسنده نخستین اعتقادیه شیعه - متوفای ۳۸۱ است. نوشتن «اعتقادیه‌ها میان اهل سنت و شیعه تا دوره اخیر ادامه یافته است؛ البته در برخی از ادوار نام اصول عقاید به خود گرفته است.^۴ در واقع به دنبال تغییراتی که در هر دین و آیینی بر اساس تحولات روزگار و زمانه پیش می‌آید - و این خود معلول و محصول مسائل مختلف و بحران‌های فکری و جدال‌های مذهبی متفاوت است - در هر مقطع زمانی، نیاز به نگارش اعتقادیه‌های تازه وجود دارد. با مقایسه اینها، در گذر زمان و در عرض جغرافیایی ادیان و مذاهب، می‌توان سیر تحول در باورهای رسمی یک دین یا مذهب را به دست آورد.

شکل اعتقادیه نویسی، پیشینه رساله‌ها و کتاب‌های کلامی مفصل‌تری است که بعدها به عنوان کتب عقایدی نوشته شد. برخی از این آثار تفصیلی و مستند است و برخی کوتاه و فقط ابراز عقاید

۳. رک. به: «آثار هویت‌ساز در جامعه شیعه نخستین»؛ مجله تاریخ اسلام، سال ۲۲، پاییز ۱۴۰۰، ش ۸۷، ص ۱۳۱-۱۶۰.

۴. رک. به: فنخ؛ ج ۱، ذیل عنوان «اعتقادات».

بدون ارائه دلایل آنها. رساله اعتقادات صدوق را باید از نظر ادبیات نگارشی در همان سبک و سیاق دید؛ رساله‌ای ویژه شیعیان امامی مذهب، که صدوق در جایگاه عالم برجسته زمان خود می‌کوشد مستند و مستدل، عقاید شیعه را با اتکا به قرآن و حدیث - طبعاً احادیث اهل بیت - بیان کند. ارجاع‌های فراوان آن به قرآن با بیش از دویست مورد، نسبتاً شگفت است؛ البته شمار احادیث نیز بسیار فراوان است. به جز اینها، توضیحات مختصر شیخ صدوق، در آغاز هر باب و در بیان هر موضوع جالب است. او عبارات تألیفی دارد و تلاش کرده است زمینه استناد به آیات و احادیث را با ارائه تعریفی از آنچه به آن باور باید داشت، بیان کند.

از نظر نوع موضوعات می‌توان گفت کتاب اعتقادات، از جهاتی شبیه به کتاب‌های اعتقادی اهل سنت در همان روزگار است. بحث از صفات خدا، عرش و لوح و کرسی، افعال عباد، مسائل مربوط به مرگ و قبر و معاد و حوض کوثر، همین‌طور وعد و وعید و شفاعت، عدل، جبر و اختیار از مسائل مشترکی است که در این قبیل آثار هست. اما در این اثر، عقاید ویژه شیعی هم مانند تقیه، بدا، عصمت، عقیده درباره ایمان آباء رسول (ص) و مسائلی از این قبیل نیز وجود دارد.

بعد از صدوق، شیخ مفید (م ۴۱۳) - که گفته می‌شود صدوق، استاد او در حدیث بوده است - رساله تصحیح الاعتقاد را در نقد آرای صدوق نوشت. نام اصلی این کتاب «جوابات ابی جعفر القمی» است (فهرست نجاشی؛ ص ۴۰۰) و از این نام معلوم می‌شود حالت نقد داشته است. بعد از مفید، سید مرتضی (م ۴۳۶) چند اثر مفصل و مختصر در اعتقادات دارد. همین‌طور شیخ طوسی و شماری از عالمان حلب آثاری در این باره نوشتند که البته در سبک و سیاق اعتقادات صدوق و صبغه حدیثی نبود، بلکه عموماً کلامی بود؛ البته نقدی هم در برابر صدوق نداشت. اعتقادی نویسی که در دوره سید مرتضی و طوسی اوج گرفت و تا زمان خواجه نصیر (م ۶۷۲) و شماری از عالمان حله ادامه یافت، آثاری غالباً کلامی بود. یکی از نمونه‌های فارسی آن، اثری از حوالی سال ۷۰۰ هجری است که ترجمه «عُنْیَةُ النُّزُوع» ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵) با عنوان معتقد الامامیه است. باب حادی عشر و شرح‌های آن طی قرن‌های هشتم و نهم و دهم و حتی بعد از آن ادامه دارد. در دوره صفویه، اعتقادی نویسی با الفاظی شبیه اعتقادات، اصول دین و مانند اینها با حمایت سلاطین صفوی دنبال می‌شود. از چهره‌های برجسته این دوره نظیر شیخ بهایی و مجلسی «اعتقادی» های کوچکی داریم که صدها نسخه از آنها برجای مانده و برخی ترجمه و شرح هم شده است. برای دنبال کردن این موارد، بهترین منبع، فنخاذیل مورد اعتقادات است.

اهمیت اعتقادات صدوق در جامعه شیعه

اگر از موارد جزئی درون برخی از روایات درباره «اعتقادات درست» بگذریم، رساله شیخ صدوق نخستین متن اعتقادی منظم و دقیقی است که برای شیعیان نوشته شده است. در واقع، شیخ

صدوق سه اثر در این باره دارد:

اولین و مفصل‌ترین آنها، همین رساله الاعتقادات است که در منابع شیعی از آن با عناوین «الاعتقاد، الاعتقادات، والعقائد» یاد شده است و رایج‌ترین نام، «اعتقادات» است.^۵ چاپ منقح این اثر با عنوان الاعتقادات توسط مؤسسه الامام الهادی در قم و به سال ۱۴۳۲ ق منتشر شده است. مرحوم مجلسی با تعبیر «قال الصدوق فی رساله العقاید» از آن نقل می‌کند (بحار الانوار: ج ۱۷، ص ۹۶).

دومین متن صدوق در اعتقادات، متنی با عنوان «وصف دین الامامیه» است که در امالی وی آمده است. این اثر، متنی است که شیخ صدوق روز جمعه، ۱۲ شعبان سال ۳۶۸ هجری در خواست گروهی از شیعیان در شهر نیشابور برای آنان ارائه کرده است (بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۳۹۳-۴۰۵).

سومین متن اعتقادی صدوق، مقدمه‌ای است که بر کتاب الهدایه (ص ۴-۶۴) دارد و ضمن آن از توحید، نبوت، امامت و مباحثی درباره ایمان و کفر و تقیه و جز اینها یاد کرده است. عبارات‌های مشترک میان این متن با دور رساله دیگر دیده می‌شود، هرچند امکان تطبیق دقیق‌تری وجود دارد. رساله اعتقادات بیشتر دربرگیرنده مباحث اعتقادی است؛ در حالی که رساله‌ای که در نیشابور برای شیعیان عرضه شد، به جز چند نکته کوتاه اول، بیشتر تریک دوره فقه مطابق فتاوی شیعه است و البته در پایان یک دوره سنن اخلاقی و دینی را هم به اجمال آورده است. او در پایان رساله وصف امامیه می‌گوید اگر در بازگشت از سفرش، باز هم به نیشابور آمد، این متن «عجله» ای را مفصل تر ارائه خواهد داد. (بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۴۰۵).

صدوق در مقدمه الهدایه نیز اعتقادات را می‌آورد و در همین رساله ترجمه اعتقادات، در پایان باب سی و پنجم، مترجم از قول صدوق می‌گوید: «و شیخ مغفور چنین آورده که این فصل را از کتاب هدایه استخراج نمودم». در پایان اعتقادات هم می‌نویسد: «و بیرون آوردم از روی تحقیق و نقل نمودم آن خبر را که در بیان این آیات واقع شده بود به اسناد و شرح آن در کتاب توحید»؛ بدین ترتیب در اعتقادات، به دو کتاب الهدایه و التوحید خویش تصریح کرده است.

۵. آقابزرگ در الذریعه (۲/۲۲۶) دومی را با اولی خلط کرده است و در مجلد ۱۹/۳۵۵ آن را تصحیح کرده است؛ متأسفانه در فنخادیل اعتقادات صدوق، این اشتباه تکرار شده است. درباره اعتقادات صدوق، در کتاب شناسی نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق، ص ۲۷-۵۴ شرحی درباره اعتقادات آمده است. مشار در فهرست کتاب‌های عربی: ۶۲۵، چاپ‌های مختلف آن را معرفی کرده است. نسخه مصحح این کتاب همراه با تصحیح الاعتقاد از شیخ مفید، در کنگره شیخ مفید منتشر شد که در حال حاضر، درسی دی «جامع الاحادیث» مورد استفاده است. چاپ منقح الاعتقادات توسط مؤسسه الامام الهادی (ع) در قم در سال ۱۴۳۲ و ۱۴۳۶ ق دو چاپ شده و بهترین چاپ‌های این کتاب است. ترجمه‌هایی نیز از این کتاب از قدیم و جدید انجام شده است.

در متن اعتقادات، در چند موضوع، وعده نگارش تک‌نگاری مستقل درباره آنها را می‌دهد؛ از جمله ذیل بحث از روح می‌گوید: «و بعد از این تصنیف کنم کتابی را در روح، و ظاهر سازم معانی آن را بر سبیل تفصیل ان شاء الله تعالی». مشابه همین جمله را ذیل بحث از رجعت هم دارد: «و بعد از این در باب صحت رجعت کتابی تصنیف کنم و در آن مبین کنم و ظاهر سازم کیفیت رجعت را و دلایل بر صحت حقیقت آن را من بعد ان شاء الله تعالی». همین قصد را درباره «معاد» هم داشته است: «و بعد از این کیفیت وقوع حساب را در کتاب حقیقت معاد علی‌جده بیان کنیم ان شاء الله تعالی». (حاصل ترجمان؛ ص ۷۶).

درباره اینکه رساله اعتقادات تا چه اندازه در جامعه شیعه مقبولیت داشت، باید توجه کرد در همان آغاز در بغداد، با رساله تصحیح الاعتقاد شیخ مفید مواجه و نقادی شده است؛ اما می‌توان پذیرفت متن صدوق برای قرن‌ها و دست‌کم بسیاری از باورهای آن، مقبول شیعیان قم بوده است. به هر حال اینکه در دوایر شیعی بعدی، اعتبار آن تا چه حد بوده است، باید با جستجوی بیشتری در منابع بازخورد های آن را به دست آورد؛ برای نمونه می‌توان به نکته‌ای که محقق حلی (م ۶۷۶) در نکت‌النهایه (ج ۱، ص ۶۹-۷۰، قم، ۱۴۱۲) از اعتقادات در باب اعتقاد امامیه به مسئله وعد و وعید نقل کرده است، اشاره کرد. از نظر احترام نهادن نیز، بی‌مناسبت نیست اشاره کنیم علامه حلی (م ۷۲۶) در «کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام»، هنگام نقل روایتی از کتاب فضائل امیر المؤمنین شیخ منتجب‌الدین، با اشاره به اینکه او از اعقاب صدوق است، از شیخ با عنوان «الشیخ المصنف الکبیر المعظم الصدوق» یاد کرده است (کشف الیقین؛ ص ۴۷۹). نباطی (م ۸۷۷) صاحب الصراط المستقیم، در جایی از همین کتاب (ج ۲، ص ۱۷۱) صدوق را با تعبیر «العالم الکبیر» یاد کرده است.

از نظر نسخه‌شناسی بر اساس فنخا، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار موجود از اعتقادات صدوق، سال ۸۱۷ است که اساس تصحیح و چاپ مؤسسه امام هادی (ع) بوده و نسخه آن در کتابخانه مرعشی (ش ۱۹۴۵) است. نسخه کهن دیگر از کتابخانه رضوی از سال ۸۳۷ و نسخه دیگر مرعشی از ۸۷۳ و نسخه‌های دیگر از ۸۸۲ و به همین ترتیب از سال‌های بعد از آن است (فنخا؛ ج ۴، ص ۳۸۰). باقی نسخه‌های فراوان آن، معدودی از قرن دهم و عمده آنها از قرن یازدهم و دوازدهم و بعد از آن است. به یقین این مسئله نیز معیاری برای اعتبار یا جریان آن در دوره‌های شیعی بوده است.

چنان‌که اشاره شد، نیاز هر جامعه‌ای در زمان معین، اعتقادی‌ه‌ای است که عالم همان زمان بنگارد و طبیعی است که آنچه از گذشته دور است، بیشتر به عنوان یک مستند مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل کمتر از روی آن تکتیر می‌شود. این نیز روشن است که رسائل و کتاب‌های اعتقادی‌ه‌ای برخی از عالمان که محتاط‌تر باشند، زمان بیشتری دوام می‌آورد؛ برای مثال می‌توان از رساله اعتقادات علامه مجلسی یاد کرد که شمار زیادی نسخه از آن (به طور مشخص ۱۷۹ نسخه) در

ادوار بعدی برجای مانده است (فنخا؛ ج ۴، ص ۴۱۶-۴۲۵)؛ چنان‌که از رساله اعتقادیه شیخ بهایی، ۵۹ نسخه برجای مانده است (فنخا؛ ج ۴، ص ۴۱۲-۴۱۵). از بسیاری عالمان متقدم، مانند شیخ طوسی، خواجه نصیر و محقق حلی نیز رسائل اعتقادیه باقی مانده است و به نظرمی رسد رسائل هر کدام، برای یک قرن یا بیشتر محبوبیت داشته است.^۶

به هر حال اعتقادات صدوق، با توجه به جایگاه و اهمیت او و نیز قدمت زمانی، یکی از پایدارترین رسائل اعتقادی است. بر اساس فنخا، از این رساله ۲۶۶ نسخه برجای مانده است که در مقایسه با برخی از مواردی که گفته شد، عدد بسیار بالایی است. این امر با توجه به قدمت زمانی شیخ صدوق قابل فهم است؛ البته رویکرد تا اندازه‌ای حدیثی آن هم محبوبیت آن را در مقایسه با برخی از رسائل صرفاً کلامی بالاتر برده است؛ چنان‌که برای عقل‌گرایان می‌توانست محبوبیت کمتری داشته باشد.

مکتب قم و مسئله غلو

بریک نکته می‌توان تأمل و توقف کرد و آن اینکه رساله اعتقادی صدوق، بر اساس باور اهالی قم به مبانی تشیع است. اساس این نگرش، روایاتی است که بیش از دو قرن قبل از حیات صدوق در این شهر جریان داشته است. صدوق مدافع مکتب قم است و مهم‌ترین نشانه این امر، عبارتی است که او در دفاع از مشایخ قم دارد. وقتی صدوق درباره غلو سخن می‌گوید و به شدت آن را انکار می‌کند، می‌نویسد: «و علامت و نشانه جماعت مفوضه و غلاة و اصناف این طوایف ردیئه، نسبت نمودن ایشان است جماعت علما و مشایخ قم را به تقصیر نمودن در محبت حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - با وجود آن‌که آن جماعت شریفه، محبت آن حضرت را زیاده از قوم دیگر دارند». صدوق در اینجا می‌کوشد اتهام تقصیر و کوتاهی در محبت امیر المؤمنین را توسط مشایخ قم انکار کند. شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد، در این مورد هر چند در کل اتهام تقصیر را به علمای حقیقی نادرست می‌داند، قمی‌ها را با توجه به آنچه از ابو جعفر محمد بن حسن بن ولید - استاد صدوق - نقل شده که گفته است: «أول درجة فی الغلو نفی السهو عن النبی و الامام»، اهل تقصیر می‌داند (تصحیح الاعتقاد؛ ص ۱۳۵-۱۳۶). ما با مواضع شیخ صدوق هم درباره شهادت ثالثه آشنا هستیم (من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۹۰)^۷ و می‌دانیم او میراث‌دار نوعی جریان ضد غلو در قم است که حتی تا این اواخر ادامه یافته است. تأکید او بر سهو النبی (ص) از نظر خودش، مصداق دیگری از گرایش ضد غلو اوست؛ چنان‌که نوشته است: «قال مصنف هذا الكتاب: أن الغلاة و المفوضة لعنهم الله

۶. مجموعه‌ای دو جلدی از رسائل اعتقادیه علمای شیعه تا قرن دهم هجری با عنوان «عقیده الشیعه» منتشر شده است (قم، ۱۳۹۵ش).

۷. نیز بنگرید به: توضیحات محمد تقی مجلسی در این باره در: لوامع صاحبقرانی؛ ج ۳، ص ۵۶۵-۵۶۷.

ینکرون سهو النبی «ص» (من لایحضره؛ ج ۱، ص ۳۵۹).^۸ محمد تقی مجلسی از قول شیخ بهایی -استادش- نقل می‌کند: مکررمی فرمودند که نسبت سهو به ابن بابویه اولی است از نسبت آن به معصومین (ع) (من لایحضره؛ ج ۴، ص ۳۰۳). می‌دانیم از شیخ مفید رساله‌ای با عنوان «عدم سهو النبی ص» منتشر شده است (کنگره مفید، قم، ۱۴۱۳) که در آن تند و نقادانه با صدوق برخورد شده است؛ در حالی که شیخ صدوق قائل به عدم سهو النبی را عالی می‌خواند [آن النافی عن النبی علیه السلام السهو، غال، خارج عن حدِّ الاقتصاد: من لایحضره؛ ص ۳۰]. شیخ مفید این را علامت غلو نمی‌داند. اساس بحث صدوق، روایتی است که وی آن را در من لایحضره آورده است و ذیل آن، چنان که گذشت، قائلین به عدم سهو النبی را از مفوضه و غلاة دانسته است. شیخ مفید در رساله یاد شده -یا منسوب به او- رسماً از صدوق با عنوان «الشیخ» یاد و روایت او را روایتی از شمار اخبار آحاد می‌داند که «روته الناصبة و المقلدة من الشیعه» و آن را رد کرده است (رساله عدم سهو النبی؛ ص ۱۸-۲۰). در این رساله به تلویح، شیخ صدوق از حشویه شمرده شده و می‌گوید او با عقیده به سهو النبی، از غلو خارج نمی‌شود، بلکه «از توحید و شرع» خارج می‌گردد (همان، ص ۲۷). نباید این نکته سبب شود تصور کنیم شیخ مفید تمایلی به غلو دارد، برعکس او در مواردی از جمله عقیده به برخی از باورها مانند عالم ذریا اینکه ذوات امامان قبل از خلقت آدم موجود بوده را از عقاید غلاة و اخباری‌های شیعه یا همان حشویه می‌داند.^۹

در حالی که ممکن است بسیاری دیگر، برخی مواضع اهل قم را -بیشتر به دلیل نقل برخی از روایات نقل شده از سوی کسانی مانند صفار که ابن الولید (استاد صدوق) حاضر به نقل آنها نبود- غالبانه بدانند؛ چنان که سید مرتضی (م ۵۳۶) قمی را به استثناى ابو جعفر بن بابویه، متهم به مشبهی و مجبری بودن می‌کند (رسائل المرتضی؛ ج ۳، ص ۳۱۰). می‌دانیم این مواضع صدوق، غالباً به دلیل پیروی او از استادش محمد بن حسن بن الولید است که آشکارا ضد غالبان و روایاتی بود که متمایل به افکار آنان بود.

مسئله تحریف قرآن و عدم آن

یکی از نکات نشان‌دهنده جنبه ضد غلو در رساله اعتقادات صدوق، دفاع وی از قرآن و تأکید موکد بر عدم تحریف آن است. اکنون و ظاهراً در اینکه مسئله تحریف قرآن، نخستین بار در جریان جمع قرآن عثمان و در پی مخالفت شماری از صحابه با او مطرح شد، تردیدی نیست؛ همچنین در اینکه بعدها اشکالات یاد شده، توسط شماری از علمای شیعه، به عنوان طعن بر عثمان ادامه یافت و تندرورها یا غالبان زمینه باور به تحریف را بر اساس آن مطرح کردند؛ افزون بر این غالبان نیز از آن

۸. شرح این جملات و ارائه پاسخ‌هایی که دیگران به صدوق داده‌اند، توسط محمد تقی مجلسی در: لواجم؛ ج ۴، ص ۲۹۹ آمده است.

۹. بنگرید: نصیح الاعتقاد، ص ۸۰-۸۴؛ نیز پاورقی به نقل از «المسائل السرویه»: کما یذهب الیه الحشویه!

برای نسبت دادن برخی از مسائل به قرآن - مانند ورود نام امام علی (ع) در برخی آیات - ادامه دادند و دنبال آن را گرفتند و روی این مسئله تأکید کردند.^{۱۰}

صدوق در اعتقادات، با نظریه تحریف قرآن به شدت مخالفت می‌کند و به نظر می‌رسد این مسئله هم به دلیل وفاداری او به ظواهر منابع دینی، از جمله قرآن و حدیث است و هم با انگیزه مقابله با غالیانی که بحث تحریف قرآن را دنبال می‌کردند. ما می‌دانیم بعدها عالمان شیعه، تحریف میان شیعه را به حشویه منتسب کردند؛ چنان‌که طبرسی در مقدمه مجمع البیان به آن تصریح کرده است. شیخ صدوق نه تنها به صراحت طی باب‌های سی‌ام تا سی‌وسیم اعتقادات، از هر حیث از سلامت قرآن دفاع می‌کند، بلکه بخش مهمی از پشتوانه استدلالی وی در همه موضوعات، آیات و به‌ویژه ظواهر آیات است، هرچند گاه روی تأویل به معنای «مصادیق خاص» برای برخی از آیات هم‌که در «احادیث» آمده، تأکید و تصریح دارد. توجه وی به قرآن در کتاب التوحید او نیز آشکار است.^{۱۱} در کتاب اعتقادات، وی به بیش از دویست آیه قرآنی استناد کرده است. به یقین امواج فکری ایجاد شده در جامعه شیعه در طول سه قرن اول اسلامی، در این شهر هم انعکاس داشته است. مهم‌ترین آنها، باورهای غالیان بود که در این شهر به دیده تردید به آن نگریسته می‌شد، ضمن آنکه از جهاتی خود این شهر، باز متهم به داشتن برخی از بینش‌های غالی بود؛ چنان‌که از اتهام سید مرتضی به قمی‌ها روشن می‌شود.

در دوره صفوی، بحث تحریف قرآن طرفدارانی داشت و از آن جمله آخوند ملا محمد تقی مجلسی بود. وی در شرح عربی خود بر من لایحضره الفقیه صدوق، به موضع وی در سلامت قرآن از تحریف حمله کرد: «انما العجب من المصنّف [صدوق] انه ذکر فی رسالته فی الاعتقادات ان القرآن الذی نزل به جبرئیل علی رسول الله (ص) لم یکن زائدا علیه و لا ناقصا عنه: تعجب از صدوق است که در رساله اعتقادات خود می‌گوید این قرآن که خداوند بر جبرئیل فرستاد، همین قرآن است و کمترین چیزی بر آن افزوده و کاسته نشده است». محمد تقی مجلسی ادامه می‌دهد: در حالی که اخبار متواتری از طرق خاصه و عامه بر آن افزوده و کاسته شده و این «لمصلحة مذهبهم الفاسد» بوده است (روضه المتقین؛ ج ۱، ص ۱۹-۲۰ «قم، ۱۴۰۶»).

مواجهه‌های دیگر با صدوق

از سوی دیگر آرای متضاد میان علمای شیعه و خود شیعیان که در شهرهای مختلف زندگی می‌کردند و هر کدام با وجهی از آموزه‌های امامان آشنا بودند، در این دوره وجود داشته است.

۱۰. در این باره بنگرید به توضیحات مفصل دکتر سید حسین مدرسی در: سلامت قرآن از تحریف: بازخوانی ستیزه‌های دیرین درباره تحریف یا عدم تحریف قرآن؛ ترجمه محمد کاظم رحمتی؛ ص ۳۵-۵۲ (قم: مورخ، ۱۳۹۶ ش).

۱۱. برای برخی از موارد آن بنگرید: مقدمه «الاعتقادات»، ص ۱۵۶-۱۵۸ (قم، ۱۴۳۶).

طبعاً و اساساً نوشتن اعتقادیه، برای رهایی از آن اختلاف نظرها برای عامه شیعیانی است که انتظار بیان عقاید درست را از یک عالم درجه اول داشته‌اند. به هر حال می‌شود گفت رساله صدوق، از این حیث معیار شناخت تفکر شیعی قم است. آنچه بعد از آن مفید درباره این کتاب و باورهای آن گفت، تا اندازه‌ای از مکتب قم فاصله دارد؛ ضمن آنکه به هر حال جامعه شیعه قم و بغداد با یکدیگر مرادوات نزدیک داشتند. در این زمینه و ضمن اینکه اساس باورها یکی بود، رویکردها در تفسیر احادیث یا حتی تحلیل برخی از دیدگاه‌های کلامی و نیز تعلق خاطر برخی از افراد به شماری از صحابه ائمه، با وجود اختلاف نظرهای موجود در آنها، تفاوت مشرب‌هایی را پدید می‌آورد. همچنین نزدیک بودن عالمان شیعه بغداد به معتزله و تأثیرپذیری از آن، در حالی که قم از جو پیش‌گفته دور بود، همه اینها تفاوت‌هایی را میان این دو مکتب بغداد و قم رقم می‌زد.

چنان‌که گذشت، نخستین نقادی‌ها درباره اعتقادات شیخ صدوق، توسط شیخ مفید (م ۴۱۳) انجام شد و او تصحیح الاعتقاد را در این باره نوشت. وی مواردی را با تعبیری چون «کلام ابی جعفر ... علی مذهب الحدس دون التحقیق» آنها را مورد نقد قرار می‌داد (بحار الانوار؛ ج ۵۸، ص ۷۹). در این باره گزارش مک‌درموت درباره تفاوت‌های فکر صدوق و مفید در مسائل مختلف در بخش دوم کتاب اندیشه‌های کلامی شیخ مفید (ص ۴۱۷-۴۹۰) آمده است؛ وی فهرستی از اختلاف نظرهای مفید با صدوق را در این بخش آورده است. در مجموع شاید یک جهت مهم در کم‌استقبالی از اعتقادات صدوق، روایی بودن آن بود که برای عقل‌گرایانی که در نسل‌های بعدی آمدند، مقبول نبود. در واقع هم از نظر احادیث مورد استناد و هم تفسیرهای ساده و روانی که صدوق داشت، آنان این کتاب را چندان جدی نگرفتند.

ملاحظات بعدی درباره این کتاب نشان می‌دهد به جز کار شیخ مفید، توجه جدی به این اثر نبود و حتی او نیز بیشتر نقد کرده است تا شرح. کتاب او گرچه به نام تصحیح الاعتقاد نامیده شد که همین هم انتقادی است، در اصل به نام «جوابات ابی جعفر القمی» بوده است. سید مرتضی هم به احتمال در برخی از موارد نقدی خود، مقصودش صدوق بوده است؛ از جمله اشاره او به اینکه «فأما اعتقاد بعضی اصحابنا فی تفضیل الانبیاء علی الملائکة...» و اینکه استدلال آن بعض اصحاب را بر برتری انبیاء بر ملائکه نادرست شمرده است (بنگرید: بحار الانوار؛ ج ۵۷، ص ۲۸۸) که مقصودش بسا شیخ صدوق است.

جای این مباحث این مقدمه نیست و می‌دانیم که در این باره ذیل تفاوت مکتب بغداد قم، مفصل گفته و نوشته شده است. هدف آن بود تا تأکید کنیم رساله اعتقادیه صدوق، انعکاس افکاری است که آن زمان در قم وجود داشت و از آنجا تا شهرری و برخی دیگر از شهرهای مرکزی ایران رفته است.

بی‌مناسبت نیست بر این نکته تأکید کنیم یکی از اهداف نگارش اعتقادیه‌ها، پاسخ دادن به اتهام‌های رایج مخالفان است و شیخ صدوق هم در این رساله، دقیقاً به این امر نظر دارد و در مواردی مثل تشبیه و تجسیم تصریح می‌کند. صدوق، در نگارش «کتاب التوحید» نیز همین هدف را داشت و می‌خواست پاسخ اتهاماتی را بدهد که مخالفان به امامیه می‌زدند و آنان را اهل تجسیم و تشبیه می‌دانستند؛ به همین دلیل در این رساله در چند مورد، عقیده‌ای را شرح می‌دهد و با تأکید نوشته است که انتساب هر نوع باوری جز آن به امامیه را نمی‌پذیرد. درباره مسئله تجسیم و تشبیه می‌گوید:

«و هر که گوید که حق تعالی مانند جسم هاست، کافر است، و هر که نسبت کند به طایفه امامیه که ایشان [عقیده به تجسیم را] گفته‌اند در باب توحید، متروک و غیر مسموع است؛ و هر حدیثی که مضمون آن موافق کلام مجید نباشد، باطل و عاقل است، و اگر مثل این اخبار و احادیث که به سبب ظاهر مخالف آیات قرآنی نماید در کتاب‌های علمای ما - علیهم رضوان الله تعالی - بوده باشد، معنی آن مختفی و پوشیده خواهد بود، و بنابراین بر معنی ظاهری آن حمل نتوان کرد؛ و چیزی که بعضی جاهلان از آن تشبیه خدای تعالی به مخلوقاتش توهم نموده‌اند، معانی آن مانند معانی امثال آن از آیات قرآنیست که در حقیقت معانی ظاهر آن مراد و مقصود الهی نیست».

در باب ششم در مورد دیگری، وقتی از باور امامیه درباره اراده و مشیت الهی سخن می‌گوید، در پایان می‌نویسد: «این است اعتقاد اهل ایمان در باب مشیت و اراده الهی، نه آنچه مخالفان ما در این باب به ما اسناد می‌نمایند از روی عداوت و کین، و به زشتی باز می‌گویند آن را طایفه ملحدین و منکرین شریعت حضرت رسول رب العالمین».

در مورد دیگری، درباره عدم تحریف قرآن نیز موضع شیخ صدوق در این رساله قاطع است و او به کلی نسبت اعتقاد به زیاده و نقصان را انکار می‌کند و پس از تصریح به آن می‌نویسد: «ومن نسب إلینا أنّا نقول إنّهُ أكثر من ذلك فهو کاذب». البته او نقصان را هم از قرآن موجود، به همین شدت رد می‌کند.

توجه به اعتقادات صدوق در دوره صفویه

فاصله زمانی شیخ صدوق (م ۳۸۱) با شیخ طوسی (م ۴۶۰) دو تا سه نسل است؛ اما رساله اعتقادات شیخ طوسی^{۱۲} اثری کاملاً کلامی است که شمار بسیار اندکی آیه و روایت در آن استفاده شده است؛ در حالی که رساله اعتقادات صدوق، به ندرت جنبه کلامی دارد. بخش توحید آن را که شبیه عبارات معتزله در آثاری است که در اصول دین نوشته‌اند، باید استثناء کرد؛ هر چند در همان عبارت هم، فقط به ذکر صفات پرداخته است؛ اما سبک تنزیهی آن، شبیه آثار آنهاست.

جالب است که بعدها اهل حدیث از شیعه هم به دلیل برخی از باورهای صدوق در این رساله، از جمله سهو النبی (ص) نگاه منتقدانه به آن داشتند (بنگرید: بحار الانوار؛ ج ۱۷، ص ۹۹). مجلسی در جایی اشاره به مخالفت مشهور با برخی از عقاید صدوق دارد (بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۴۰۵). با همه این احوال، باید توجه داشت کتاب صدوق، یک کتاب معیار بوده است؛ هر چند در مواردی از آن انتقاد هم شده است. برای اخبار گزایانی مانند مرحوم مجلسی، روش صدوق بسیار پسندیده بود. آنان دوست داشتند فقط با متن احادیث کار کنند و عین احادیث را در حالی که سند از آن جدا می شد، در جایگاه متن کلامی و فقهی عرضه کنند. این همان روشی بود که شیخ صدوق دنبال کرده بود. مجلسی (م ۱۱۱) در جایی نوشته است: صدوق «من عظماء القدماء التابعین لآثار الأئمة النجباء الذین لا يتبعون الآراء والأهواء، ولذا ينزل أكثر أصحابنا كلامه و كلام أبيه رضی الله عنهما منزلة النص المنقول والخبر المأثور» (بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۴۰۵).^{۱۳}

طبعاً توجه به اعتقادات وی در این دوره بیشتر بوده است. سید نعمت الله جزائری (م ۱۱۱۲) که از اخباری های دوره اخیر صفوی است، در این باره شرحی نوشته است که افندی از آن یاد کرده است؛ اما نسخه ای از آن ندیده است (ریاض؛ ج ۵، ص ۲۵۶). افندی نوشته است مولی عبد الله شولستانی مقیم ساری هم که از شاگردان محمد تقی مجلسی و ملا صدرا - در عقلیات - بوده است، دو شرح عربی و فارسی برای اعتقاد صدوق نوشته است. وی آثار این عالم را در ساری نزد فرزندانش دیده است (ریاض؛ ج ۳، ص ۲۰۵). آقابزرگ هم شرحی از یکی از علمای قرن دوازدهم که خود را «ابن ولی الله القزوینی» نامیده، میان کتاب های مدرسه نواب مشهد دیده است. او حدس می زند نام این شخص فضل الله بن ولی الله قزوینی باشد؛ اما نسخه ای را که دیده، تاریخ نداشته و احتمال می دهد از قرن دوازدهم بوده است (الذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۰۲). شخص پیش گفته می تواند صفی بن ولی قزوینی هم باشد (منزوی؛ فهرست واره کتاب های فارسی؛ ج ۹، ص ۳۶۹). شرح دیگری از اعتقادات صدوق با نام حل العقاید از شاه محمد بن محمد دارابی از قرن یازدهم در دست است که گفته شده مختصر است.^{۱۴} در فهرست گوهرشاد (ج ۲، ص ۷۱۹) از نسخه ای که تاریخ ۱۰۶۴ دارد، با عنوان ترجمه - شرح احتمالی اعتقادات صدوق یاد شده است. میان آثار حسن بن زین الدین عاملی (فرزند شهید ثانی) هم کتابی با عنوان شرح اعتقادات صدوق معرفی شده است که ظاهراً نسخه ای از آن شناخته شده نیست.^{۱۵}

ترجمه های اعتقادات صدوق در دوره صفوی

۱۳. درباره برخی از گفته های عالمان دوره صفوی درباره وی بنگرید: الهدایه؛ ص ۲۱۳ - ۲۱۵.
۱۴. برای سه معرفی سه نسخه آن در رضوی و مرعشی بنگرید: فنخا؛ ذیل مورد حل العقاید، ج ۱۳، ص ۳۴۶.
۱۵. بنگرید: مقدمه معالم الدین؛ ج ۱، ص ۳۶ (ق، م، ۱۴۱۸).

یکی از نشانه‌های توجه به این کتاب در دوره صفوی، ترجمه‌هایی است که از این کتاب انجام شده است. این ترجمه‌ها مانند بسیاری از کتاب‌های دیگر، به شاهان وقت یا برخی از امرا و شاهزادگان اهدا شده است. چند نمونه از اینها، به شاه طهماسب و خواهرش سلطانم اهدا شده است و این مسئله نشان دهنده توجه این شاه صفوی به گسترش معارف شیعی است. برخی از این ترجمه‌ها که فقط ترجمه و برخی حالت ترجمه - شرح دارد، به این شرح است:

حاصل الترجمان از محمد مهدی رضوی یکی از نخستین ترجمه‌هاست که شرح آن خواهد آمد.

ترجمه اعتقادات صدوق از ابوالفتح حسینی؛ وی آن را به شاهزاده مهین بانو سلطانم اهدا کرده است. از این کتاب نسخه‌ای با تاریخ ۹۶۲ (مجلس، ش ۱۰۱۷۶) برجای مانده و البته نسخ دیگری از آن هم در دسترس است (فنا؛ ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۶). وی در مقدمه نوشته است: «این کلمه چند است ظاهر و واضح و حرفی چند باهرو لایح در شرح و ترجمه الفاظ و عبارات کتاب اعتقادات منسوب به شیخ المجتهدین و صدوق المحدثین، مقتدای علمای متقدمین و متأخرین، پیشوای فقهای اولین و آخرین، معظم فرق ناجیه، مقدم زمره امامیه، صاحب الشأن العلی و امکان، المسمی الشیخ ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی - بؤاه الله تعالی فی اعلی علین مع التبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین - که به موجب اشارت با بشارت و فرمان لازم الاذعان نواب مستطاب حضرت شاهزاده عالمیان، قبله و قدوه آدمیان، نور حقیقه ایمان و نور حقه انس و جان، خلاصه خانه دان نبوت و امامت، سلاله دودمان عصمت و طهارت، آفتاب آسمان سلطنت و اقبال مهر سپهر عظمت و اجلال، ماه عالی جاه اوج کمال، بدر بلند قدر فلک، فضل و افضال ماه روی دولت خانه عدالت و رعیت پروری، شاه بیت قصیده فضیلت و دانشوری، زهره زهراء اولاد فاطمه، زهرا بانوی کبرای احفاد خدیجه کبری، مقوی شریعت مصطفوی و مرتضوی، مرتب مذهب جعفری و ملت اثنا عشری، ناموس العالمین و سلطان السلاطین المنظورة بأنظار الله الملك الدائم، حضرت شاهزاده مهین بانو سلطانم خلد الله تعالی لظلال سلطنتها و عصمتها و قوم سریر الدولة الشاهیه بقوایم معدلتها و مرحمتها الی ظهور الطلعة المهديه و رؤیتها، بحق عتره النبی و غزتها [عزتها]، بنده داعی ابوالفتح الحسینی ترتیب داده و به قلم اخلاص، بر ورق اختصاص تصویر نموده، مشتمل بر تفسیر آیات و ترجمه احادیث و روایات و تطبیق دلایل بر مدهیات، مسئول و مأمول از کریم و اهب السئول آن که به نظر اقبال نواب مستطاب مشرف گردد، و به شرف التفات حجاب سپهر احتجاب اعتزاز و امتیاز یابد انه بذلک جدیر، و علی ما یشاؤون قدیر. و چون غرض اصلی در این مقام ذکر مسائل اعتقادات به لغت فارسی بود، ترجمه کتاب مذکور و حل مسایل و دلایل او اکتفا نمود، و این ترجمه مثل اصلش مرتب گشت بررسی و چهار باب، و من الاستفتاح فی جمیع الابواب. و قد وقع الفراغ عن تحریر هذه الكتاب فی یوم الخمیس شهر جمادی الثانیة اضعف عباد الله و احوجهم الی رحمة

الملك الغنی شاه‌هیجان بن حاجی محمد سرکان در «بلدة دارالارشاد اردبیل سنة اثنی وستین و تسعمائه (۹۶۲)».

درباره اهمیت و نقش سلطانم در ترویج کارهای شیعی، عبارت پیش‌گفته بسیار مهم است؛ چنان‌که مترجم از او با تعبیر «مقوی شریعت» و «مرتبی مذهب جعفری» یاد می‌کند. کتاب‌های دیگری هم به اشارت با بشارت این بانو تألیف و ترجمه شده است؛ از جمله رساله‌ای در اعتقادات به شماره ۱۸۲۳۳ در کتابخانه مجلس، به توصیه او و توسط سیف ابوالحسن شریف تألیف شده است.^{۱۶} رساله‌ای در تفسیر کلمة التهلیل از سید عزیزالله حسینی که مدرس در شهر اردبیل بود، در سال ۹۶۳ به نام سلطانم تألیف شده و نسخه آن در کتابخانه رضوی است (الذریعه؛ ج ۳، ص ۳۵). کتاب خلاصة الادعية و الاعمال هم از موقوفات سلطانم در کتابخانه رضوی است (الذریعه؛ ج ۷، ص ۲۱۱). رساله‌ی کلامی دیگر از عزیزالله حسینی پیش‌گفته به نام شاهزاده سلطانم تألیف شده است که افندی آن را دیده است؛ این رساله در ۹۶۷ نوشته شده است (الذریعه؛ ج ۱۴، ص ۸۵). رساله ارکان الایمان هم که در ۹۶۴ نوشته شده است، به امر سلطانم بوده است (اعیان الشیعه؛ ج ۲، ص ۳۲۲).

وسيلة النجاة در معرفت اعتقادات، ترجمه دیگری از اعتقادات صدوق است که مترجم مشهور شیعی قرن دهم هجری، علی بن حسن زواره‌ای آن را به فارسی ترجمه کرده اشت و فهرست نویس مرعشی بیان می‌کند این ترجمه تحت اللفظی است. دو نسخه از آن یکی در مرعشی (ش ۳۰۴۸/۲) و دیگری در روزیری یزد (ش ۲۱۶۴/۳) معرفی شده است (فنخا؛ ذیل مورد وسیلة النجاة در معرفت اعتقادات).

ترجمه اعتقادات توسط مترجم ناشناخته، از تاریخ ۹۱۴ که به نظر می‌رسد مربوط به قبل از عهد طهماسب و در دوره شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰) است. از این ترجمه، نسخه‌ای در کتابخانه شیخ علی حیدر در مشهد (ش ۱۴۲۷/۱۳) در دست است (فنخا؛ ج ۴، ص ۳۹۷).

منهاج المؤمنین از ابوتراب بن ابی‌الحسن حسینی از غدی از سال ۹۹۲ شامل ادعیه و عبادات

۱۶. درباره سلطانم بنگرید: احسن التواریخ؛ ج ۳، ص ۱۴۲۶-۱۴۲۷. در آنجا از سال فوت وی یاد شده است و در حاشیه نیز توضیحاتی در این باره آمده است و فرمانی از طهماسب در سال ۹۷۲ درج شده که امر به خواندن قرآن توسط شش نفر حافظ پرسرمازوی در رقم کرده است (برای این سند بنگرید: حسین مدرسی؛ تربت پاکان؛ ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸). ۲۳ سال پس از دفن وی در رقم، او به کربلا در سردابی که خودش برای خویش ساخته بود، انتقال داده شد (تربت پاکان؛ ج ۱، ص ۲۲۸). در تاریخ الفی؛ ج ۸، ص ۵۶۸۷ آمده است: «خواهر شاه طهماسب، سلطانم که نزد شهریار ایران به غایت معتبر بود و در جمیع امور ملک و مال اختیار تمام داشت، حسب المقدور در لوازم امداد آن حضرت سعی فرمود». ابن‌شدمق، نویسنده تحفة الازهار درباره او نوشته است: «از جمله دختران وی "سلطانم، سماها لصاحب الامر علیه السلام". سلطانم بود که او را به نام صاحب الامر (ع) کرده بود» (القسم الثانی، ج ۲، ص ۳۵۲).

شبانه روز و ایام هفته. خاتمه این کتاب ترجمه اعتقادات صدوق است. نسخه‌ای از آن در فیضیه (ش ۳۰۱) و نسخه‌ای در مرعشی (ش ۵۲۱۹) است.

مشراق العقائد الصالحه از محمد صالح بن مسعود دستغیب از قرن یازدهم که به شاه صفی (سلطنت ۱۰۳۸-۱۰۵۲) اهدا شده است. دو نسخه از این ترجمه در کتابخانه مجلس به شماره‌های ۱۰۰۶۲ و ۱۶۴۸۷ موجود است. در این رساله، ضمن تأکید بر مذهب حقه شیعه امامیه که در زمان حضرت رسول (ص) مرکوز ذهن همه مسلمانان بود و اینکه کسانی این وضع را تغییر دادند، به مسیر تحریف عقاید و اعتقادات در دوره بنی‌امیه و آل مروان و بنی‌العباس اشاره کرده و اینکه به «وضع احادیث باطل و اخفای اخبار صادقانه برخلاف مذهب حق، مذاهب» پرداختند. همان وقت علمای شیعه به تدوین احادیث صحیحه مشغول شدند؛ آثاری که یک دوره طولانی در خفا بود تا آنکه «اللّه سبحانه و تعالی شیعه را پادشاهان ذی‌جاه داده، مذهب حق از پرده خفا بیرون آمد، و شیعه را کمال قوت و شوکت بهم رسید». تا این زمان، آثاری که علمای شیعه از عوام الناس مخفی نگه داشته بودند، در اختیار قرار نداشت و از عالمان «کسی پرده آنها ندریده بود، به نحوی که به زبان عوام اندازند؛ اگرچه علمای ما رضوان اللّه علیهم از کتب ایشان بیرون نوشته بودند، اما به این مرتبه مشهور نشده بود که در این ایام ولا بنده بی‌قدر اقل خلق اللّه المعبود محمد صالح الحسینی الشیرازی بن عضدالدین مسعود الشهبیر به دست غیب در شهرت آنها سعی کرده، اکثر اخبار صریحه که نص است بر امامت ائمه اثنا عشر از صحاح سته... ترجمه نمود که خواص و عوام بفهمند...». وی سپس به ستایش شاه صفی می‌پردازد و می‌افزاید: «...و الحمد لله که علما را در اظهار عقاید حقه تقیّه در کار نیست، و عقایدی که علمای فرقه نجّیه و مشایخ کبار شیعه امامیه - رضوان اللّه علیهم - محرّر فرموده‌اند عجم را اشفاع از آن میسر کمتر است، و عقاید امری است اهمّ از همه امور. لهدا به خاطر فاطر رسید که خلاصه اعتقادات شیعه را به فارسی، مستند به قول شیخ شیوخ الطائفه المحققة الشیخ ابن بابویه - علیه الرحمه - و احادیث صحیحه منقوله از ائمه هدی محرّر سازد که جمیع خواص و عوام اعجام که فهم عربی ایشان را خالی از اشکالی نیست، از مطالعه آن عقاید خود را تصحیح فرمایند، و بعد از مشاوره‌ای با علمای کبار و استخاره و صدور امر کردگار شروع در مطلب نموده، به توفیق ایزدی در عرض چهار روز این رساله را مرتّب ساخت، مشتمل بر سی و پنج باب، و مسمّی گردانید آن را به مشراق العقاید الصالحیه». وی از چند کتاب دیگر خود هم یاد می‌کند و قطعه شعری که خطاب به شاه صفی سروده است، می‌آورد:

فرمانده عالم این شهنشاه	کو حامی دین احمد آمد
یک مسئله نزد ذات اشرف	بر مال جهان سرآمد آمد
ایین عقید لآلای عقاید	کاعطای اله سرمد آمد

از عالم تحفه بر سلاطین از بنسده او محمد آمد شرح الاعتقادات از اسماعیل بن محمد باقر خاتون آبادی (م ۱۱۱۶)، شرحی مفصل در ۱۹۴ صفحه که تنها نسخه آن در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۵۹۵ است. وی در مقدمه می‌گوید که اوائل، بخشی از اعتقادات را به فارسی شرح کرده است؛ اما گویا آن را کنار گذاشته و اکنون به عربی نوشته است.

بیفزاییم که سید نعمت‌الله جزائری (م ۱۱۱۲) هم شرحی بر اعتقادات صدوق نوشته است که آقابزرگ به نقل از فهرست تصانیف او از آن یاد کرده است (الذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۰۲).

موارد اشاره شده مربوط به دوره صفوی بود؛ اما ترجمه و شرح نویسی برای اعتقادات صدوق ادامه یافت؛ به طوری که بر اساس داده‌های فهرس نسخ خطی، ۲۴ ترجمه و شرح برای اعتقادات صدوق یاد شده است.^{۱۷}

حاصل‌الترجمان و مترجم آن

ترجمه‌ای که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، «حاصل‌الترجمان» است که در مواردی با عنوان «منهاج المومنین» و نیز «ترجمه اعتقادات صدوق» در فهرس یاد شده است. بر اساس نسخ معرفی شده در فنخا، می‌توان دریافت این کتاب در مواردی به شاه طهماسب و در برخی نسخ، به شاه عباس ثانی صفوی [که در واقع مقصودش شاه عباس اول است] اهدا شده است. مترجم محمد مهدی بن محمد صالح رضوی و محل تألیف در مشهد است. این فرض را باید داشت که مؤلف در دوره طهماسب کتاب را ترجمه و به او اهدا کرده است و بعدها مجدد مقدمه را تغییر داده و به نام شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) کرده است. آقابزرگ (الذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۰۲ و ج ۲۶، ص ۲۶۸) در جایی با اشاره به ترجمه اعتقادات صدوق و لابد بر اساس نسخه‌ای که ملاحظه کرده (مکتبه شیخ محمد سلطان المتکلمین در تهران)، می‌گوید کتاب را در سال ۱۰۷۸ به نام شاه عباس صفوی [اینجا باید شاه عباس دوم هم باشد] نوشته است؛ در حالی که می‌دانیم و خود آقابزرگ هم نوشته است که کتاب زائریه این نویسنده، در سال ۹۵۴ تألیف شده است و چنان‌که اشاره شد، نسخه‌هایی از ترجمه اعتقادات هم به طهماسب (سلطنت ۹۳۰-۹۸۴) تقدیم شده است. آقابزرگ در طبقات اعلام الشیعه (ج ۷، ص ۲۵۹) از وی با عنوان عالم معاصر طهماسب یاد کرده است و از زائریه و ترجمه اعتقادات صدوق او یاد کرده است.

این ترجمه نسخه‌ای از قرن دهم ندارد و نسخ برجای مانده از قرن یازدهم و دوازدهم است. نسخه تبریز سال ۱۰۷۰، دو نسخه دانشگاه در سال‌های ۱۱۰۴ و ۱۱۲۰ و برخی از نسخ هم بدون تاریخ است.

در مجموع نه نسخه در فنخا برای این ترجمه یاد شده است.

محمد مهدی رضوی به جز حاصل الترجمان، رساله دیگری با عنوان زائریه دارد که آن را هم به شاه طهماسب اهدا کرده است و تاریخ تألیف آن ۹۵۴ است؛ این کتاب در ادب زیارت است. از این کتاب چهار نسخه در کتابخانه رضوی موجود است و در جای دیگری از آن یاد نشده است. یکی از این چهار نسخه، از اواخر قرن دهم است (فنخا؛ ج ۱۷، ص ۵۳۸). کتاب دیگری با نام سفینه و در واقع یک جُنگ از شخصی به نام محمد مهدی بن محمد صالح رضوی به شماره ۸۸۸۰ در مجلس وجود دارد که در فنخا ذیل نام شخص مورد نظر ما آمده است. در معرفی این نسخه گفته شده است: «نسخه به چندین خط نوشته شده، اما بیشتر آنها از آن صاحب سفینه محمد مهدی بن محمد صالح رضوی است. در پایان برخی یادداشت‌ها تاریخ ۱۰۹۶ و یک مورد هم شب دوشنبه سوم ربیع الاول ۱۱۰۰ دیده می‌شود (فهرست مجلس؛ ج ۲۹، بخش اول، ص ۲۲۱). در جُنگ یاد شده، حتی رساله‌ای از مرحوم مجلسی هم وجود دارد. با توجه به این تاریخ‌ها، به نظر نمی‌رسد این جُنگ ربطی به نویسنده ما داشته باشد. چهارمین و آخرین اثری که در فنخا از او یاد شده است، شرح دیباجه الرسالة الجعفریه است که به عنوان «شرح مزجی مختصری بردیباچه رساله الجعفریه» از آن یاد شده و گفته شده است «وی معاصر استرآبادی شارح جعفریه بوده و از وی با عنوان فاضل معاصر» یاد کرده است. تاریخ تألیف آن سال ۹۵۴ ذکر شده است. او در این شرح، از تعلیقه خود بر ارشاد هم یاد کرده است (فنخا؛ ج ۱۹، ص ۷۰). نسخه‌ای از آن در دانشکده الهیات تهران، دو نسخه در مرعشی و یک نسخه در کتابخانه گلپایگانی است.

کاری که محمد مهدی رضوی انجام داده است، اولاً از این حیث ارزش دارد که در دوره طهماسب انجام شده است و در ردیف کارهای فرهنگی-مذهبی است که می‌توان گفت شخص شاه طهماسب حامی آن بود. در این دوره که برای نخستین بار در سطحی وسیع، فرهنگ شیعه گسترش یافت، کتاب‌هایی تألیف و ترجمه شد؛ از سویی منابع اصلی و مطرح و شایع شیعه باید به فارسی درمی‌آمد و از سویی دیگر آثار تازه نوشته می‌شد. در این میان، حوزه عقاید اهمیت زیادی داشت و به دلیل اینکه نگارش همچنان کار دشواری بود و ترجمه آسان‌تر، روی این بخش تمرکز شد. کسانی مانند زواره‌ای در جایگاه مترجمان حرفه‌ای این دوره، کارهای فراوانی انجام دادند و در بسط آموزه‌های شیعی به ویژه عقاید و تفسیر و تاریخ اسلام و اهل بیت کارهای فراوانی انجام دادند. در این باره و سیاست‌های فرهنگی-مذهبی طهماسب برای گسترش تشیع، در کتاب سیاست و فرهنگ صفوی مطالبی را آورده‌ام.

فعالیت‌های محمد مهدی رضوی نیز که از سادات مشهد و از عالمان آن دیار بود، در همین مسیر است. کتاب الزائریه او که در سال ۹۵۴ نوشته شده است (الذریعه؛ ج ۱۲، ص ۱)، درباره آداب زیارت و در حقیقت ترویج سیاست‌های مذهبی دولت صفوی برای تشویق مردم به زیارت عتبات و مشهد

است. کتاب یادشده با القاب معمول به شاه طهماسب اهدا شده است. نسخه کتابخانه رضوی از این کتاب به شماره ۹۹۷۵ تاریخ ندارد و نویسنده آورده است رساله زائریه «به برکات مجاورات و دوام زیارت این روضه رضویه» تألیف شده است.

ترجمه اعتقادات صدوق نیز از سوی محمد مهدی رضوی با همین اهداف انجام شده و او تلاش کرده است متنی نسبتاً منقح آن هم نه تنها ترجمه، بلکه با حالتی شرح گونه بنویسد. صدوق در بسیاری از موارد در شرح عقیده امامیه در موضوعات مهم، فقط به ارائه آیات و احادیث می پردازد و تنها با یک جمله کوتاه آنها را استقبال یا بدرقه می کند؛ اما مترجم ما به عنوان ترجمه آن آیات و احادیث، با حالتی شرح گونه، اصل مطلب را شرح می دهد و به این ترتیب عملاً ترجمه و شرح در اختیار مخاطب می گذارد. حتی در ترجمه عبارات خود صدوق نیز حالت شرح گونه را حفظ می کند. این افزون بر آن است که در مواردی، توضیحات مکملی می آورد که گرچه تفکیک آن از متن اصلی بدون مقایسه با متن عربی اعتقادات ممکن نیست، در مقایسه روشن می شود که این مطالب از مترجم است. این موارد اندک است و چنان که اشاره شد، بیشتر توضیحات در دل ترجمه آیات و اخبار آمده است. یک نمونه از توضیح مترجم که حالت نقد هم به خود گرفته است، بدین شرح است: در باب پانزدهم، زمانی که شیخ صدوق احادیثی درباره جایگزینی اخوت مذهبی به جای اخوت طبیعی می آورد، مترجم از این حیث که این امر با فقه سازگار نیست و مشکلاتی را پدید می آورد، هم زمان به توجیه و نقد آن می پردازد: «و چون وارث در حقیقت میراث مقرر شرعی یافتن است، هر آینه ظاهر این روایت به حسب قوانین شریعت، مخالف نصوص قرآنی و اجماع طایفه امامیه می نماید؛ و چون ناقل و راوی آن شیخ مبرور مذکور است، حاجت به تصحیح اسناد و صحت قول آن نیست؛ پس به وجهی که موافق «شرع شریف باشد» تفسیر و تأویل باید نمود؛ و این چنان تواند بود که چون آشنایی و ملایمت روحانی میانه دو برادر صلبی نبوده، و میان دو برادر روحی بوده باشد، به حسب حقیقت در این عالم جسمانی اختلاف و کدورت میانه دو برادر صلبی واقع آید، چنان که از حدیث سابق مفهوم می شود، و بسا که این مخالفت به مرتبه قتل و کفر که مانع ارث شرعی باشد برسد؛ و چون وراثت منحصر در برادر قاتل یا کافر بوده باشد، میراث تعلق به حضرت امام - علیه السلام - داشته باشد، و بی شبهه آن حضرت مختار باشد که حق خود را برادر روحانی مقتول دهد یا خود آن را متصرف شود. بالفعل این توجیه به خاطر فاطر رسید، شاید [۳۴] که موافق مطلوب از این خبر مسرت اثر بوده باشد، و بعضی وجوه دیگر محتمل است که ذکر آن منجر به تطویل گردد، و چون وراثت را به معانی دیگر حمل نمایم هر چند که خلاف ظاهر است، اما اشکال مندفع گردد و الله اعلم».

برای نمونه اگر عبارت اول شیخ صدوق درباره صفات خداوند را با آنچه مترجم آورده است، مقایسه کنیم، مقدار شرحی او کوشیده است در برخی از تعبیر بدهد را در خواهیم یافت. روشن است که ترجمه این قبیل موارد دشوار است. وی در بسیاری از موارد عین آیات را آورده است؛ اما در مواردی،

درست مثل همان عبارت اول صدوق، فقط در ترجمه و به عنوان دلیل آنچه درباره صفات آمده، آورده اما عین آیه را نیاورده است.

نتیجه

دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸) برای تشیع، دوره‌ای حساس و نوعی بازگشت به آموزه‌های کهن شیعی و بازاحیای آنهاست. درحالی‌که تشیع قم در قرن دوم-چهارم هجری، متکی بر مسیрах‌باری اما ضد غلو بود، تشیع بغداد، از قرن چهارم به بعد، تشیعی بود که ضمن تکیه بر منابع اولیه دینی مانند قرآن و حدیث، رویکرد مثبتی به عقل و اجتهاد به سبک نظام‌های فکری عراقی نیز داشت. زمانی که صفویه در ایران بر سرکار آمد، جریان اخباری قدیم قم، تا اندازه‌ای احیا شد. نماد این جریان، شیخ ابو جعفر صدوق (م ۳۸۱) بود که این بار با احترام بیشتری به او نگریسته شد. کتاب الاعتقادات او که نخستین اعتقادنامه شیعی میان متون شیعه بود، در نسخه‌های متعدد استنساخ شد و افزون بر این ترجمه‌ها و شرح‌هایی بر آن نوشته شد؛ به همین دلیل معتقدیم تشیع دوره صفوی، با احیای مکتب شیخ صدوق و ترکیب آن با دیگر مکتب‌های داخلی تشیع، از نظر اعتقادی ممتاز به شمار می‌آید.

کتاب‌نامه

- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی؛ الاعتقادات؛ تصحیح مؤسسه الامام الهادی؛ قم؛ مؤسسه امام هادی، ۱۴۳۵ ق.
- _____؛ الهدایه فی الاصول و الفروع؛ قم؛ مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۸ ق.
- _____؛ ترجمه اعتقادات صدوق (نسخه خطی)؛ ابو الفتح حسینی؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۰۱۷۶.
- _____؛ من لایحضره الفقیه؛ قم؛ انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ابن شدقم، ضامن؛ تحفة الازهار و زلال الازهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار؛ تصحیح: کامل سلمان الجبوری؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش.
- افندی، میرزا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ به کوشش احمد اشکوری؛ قم؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۱ ق.
- انصاری، محمدرضا؛ عقیده الشیعه؛ قم؛ دارالتفسیر، ۲۰۱۶ م.
- تتوری، احمد بن نصرالله؛ تاریخ الفی؛ تحقیق: غلامرضا مجدطباطبایی؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- توحیدی، ابو حیان؛ البصائر و الذخائر؛ تحقیق: وداد القاضی؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۹ ق.
- جعفریان، رسول و فاطمه سادات میررضی؛ «آثار هویت‌ساز در جامعه شیعه نخستین»؛ مجله تاریخ اسلام، سال ۲۲، ش ۸۷، پاییز ۱۴۰۰.
- جعفریان، رسول؛ صفویه در عرصه دین، سیاست و فرهنگ؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
- حکیم، محمدحسین؛ فهرست مجلس؛ ج ۲۹، بخش اول، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۹۰.
- خاتون‌آبادی، اسماعیل بن محمد باقر؛ شرح الاعتقادات (خطی)؛ کتابخانه دانشکده هیات دانشگاه تهران، ش ۵۹۵.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ بغداد؛ تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

درایتی، مصطفی؛ فنخا: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران؛ تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰ ش.
دستغیب، محمد صالح بن مسعود؛ مشرق العقائد الصالحة (نسخه خطی)؛ کتابخانه مجلس ش ۱۰۶۲ و ۱۶۴۸۷.
رضوی، محمد مهدی بن محمد صالح؛ حاصل الترجمان: ترجمه اعتقادات صدوق؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: نشر مورخ، ۱۴۰۱ ق.

_____؛ زائریه (نسخه خطی)؛ کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۹۹۷۵.
روملو، حسن؛ احسن التواریخ؛ تصحیح عبدالحسین نوایی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
سید مرتضی، علی بن حسین؛ رسائل الشریف المرتضی؛ قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
شوشتری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ تصحیح اعتقادات الامامیه؛ قم: کنگره مفید، ۱۴۱۳ ق.
_____؛ رساله فی عدم سهو النبی ص؛ قم: کنگره مفید، ۱۴۱۳ ق.
طوسی، محمد بن حسن؛ الرسائل العشر؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
طهرانی، آقابزرگ؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۱ ق.
عاملی نباطی، علی بن محمد؛ الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم؛ نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
عاملی، جمال الدین حسن بن زین الدین؛ معالم الدین؛ قم: [بی نا]، ۱۴۱۸ ق.
علامه حلی، حسن بن یوسف؛ کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (ع)؛ تهران: وزارت الثقافة، ۱۴۱۱ ق.
فاضل، محمود؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۵ ش.
مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی [بی تا].
مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین؛ قم: مؤسسه کوشانیور، ۱۴۰۶ ق.
_____؛ لواحق صاحبقرانی؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسین؛ نکت النهایه؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
مدرسی طباطبایی، حسین؛ تربیت پاکان؛ قم: [بی نا]، ۱۳۵۵ ش.
_____؛ سلامت قرآن از تحریف: بازخوانی سستیبه‌های دیرین درباره تحریف با عدم تحریف قرآن؛ ترجمه محمد کاظم رحمتی؛ قم: نشر مورخ، ۱۳۹۶ ش.
مشار، خان بابا؛ فهرست کتاب‌های چاپی عربی؛ تهران: [بی نا]، ۱۳۴۴ ش.
مک‌درموت، مارتین؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ‌گیل با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
منزوی، احمد؛ فهرست‌واره کتاب‌های فارسی؛ تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
نجاشی، احمد بن علی؛ رجال النجاشی؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.